

نظریه‌های نافی حق: نظریهٔ محافظه‌کاری

زهرة رحمانی*

چکیده

یکی از راه‌های دفاع از حق، نقد نظریه‌های نافی حق است. در این مقاله به معرفی یکی از این نظریه‌ها، یعنی نظریهٔ محافظه‌کاری خواهیم پرداخت. این نظریه در پی حمایت از نهادها و رویه‌های سنتی است که در طول زمان، در میان یک ملت، شکل گرفته‌اند. تأکید اصلی محافظه‌کاری بر ثبات و استمرار است. از جمله نظریه‌پردازان محافظه‌کاری «ادموند برک» است که انتقادات شدیدی به اصول انقلاب فرانسه وارد ساخت و دیدگاه‌های او در کتاب «تأملاتی در باب انقلاب فرانسه» به رشته تحریر درآمد. این نظریه مفاهیم فردگرایی، مدرنیته و حق‌های بشری را بر نمی‌تابد. در این مقاله، نظریهٔ محافظه‌کاری در دو دسته مورد بررسی قرار خواهد گرفت: محافظه‌کاری غیر دینی و محافظه‌کاری دینی.

کلید واژگان

نظریه‌های نافی، نظریهٔ محافظه‌کاری، سنت‌گرایی، حق، برابری.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی.

مقدمه

برابری حق همه انسان‌ها، صرف نظر از هر گونه تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، دین، ملیت و غیره سنگ بنای اندیشه حقوق بشر است. «حقوق بشر، حق‌هایی دانسته شده-اند که انسان‌ها به صرف انسان بودن و نه به دلیل ویژگی یا موقعیتی خاص دارا هستند.»^۱ با تمامی تلاش‌های ملی و بین‌المللی که در این زمینه صورت گرفته است، اما هنوز هم با نقض گسترده و فاحش حقوق افراد در این زمینه روبه‌رو هستیم. نابرابری‌های موجود در بسیاری از جوامع، عمدتاً در حوزه حق‌ها جاری است. لازم به ذکر است که در این راستا نظریه‌های مختلفی را می‌توان شناسایی کرد که، هر یک از منظر متفاوت به این مسئله نگریسته و مدافع نابرابری‌های موجود بوده و بنابراین در دسته نظریات نافی حق قرار می‌گیرند.

فراهم کردن زمینه طرح و تبیین مبانی نظری این تئوری‌ها و تفسیر، بازخوانی و نقد نظریه‌های مذکور، چه بسا تغییر و تحول در حوزه عمل را نیز به دنبال داشته باشد. نظریه حاضر یعنی نظریه محافظه‌کاری، نظریه‌ای سنت‌گرا است که به عنوان نظریه نافی حق و مدافع نابرابری‌های موجود مطرح بوده و با حق‌های بشری سر سازگاری ندارد. نظریه محافظه‌کاری در دسته نظریات سنت‌گرا قرار دارد که بنابر گواهی تاریخی نظریه‌هایی غیرعقلانی و عمدتاً نابرابری‌گرا بوده‌اند، لذا حق‌های بشری را بر نمی‌تابند. تعریف محافظه‌کاری از یک جهت آسان است و از جهت دیگر کاملاً سخت، آسان است چرا که همه محافظه‌کاران می‌خواهند چیزی را که معمولاً روش زیست سنتی یا عرفی جامعه است حفظ کنند. اما این سنت‌ها یا رسوم ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای

۱. راسخ، محمد؛ «تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴، ص ۲۲.

از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت باشند. حتی اگر چنین نباشد محافظه‌کاران مختلف ممکن است، ایده‌های متفاوتی در خصوص عناصر یا اجزای روش تثبیت شده زیست که ارزش حفظ کردن دارند، داشته باشند. بنابراین هر محافظه‌کاری می‌خواهد که چیزی را حفظ کند. اما همه در پی حفظ چیز واحدی نیستند به همین دلیل است که تعریف محافظه‌کاری تا این حد دشوار است.^۲

مفهوم محافظه‌کاری در معنای تحت اللفظی آن حفظ کردن است. اندیشه حفظ یا دست نخورده نگه داشتن چیزی مدعای اصلی محافظه‌کاری است. از نقطه نظر محافظه‌کاران واقعیت اجتماعی به خوبی از طریق یک رویکرد تاریخی قابل درک و فهم است.^۳ تاریخ تنها پایه و اساس نهادها است. این نظریه تقریباً تا سال ۱۸۳۰ جایگاهی در گفتمان سیاسی نداشت.^۴

۱. محافظه‌کاری غیردینی

کاربرد واژه محافظه‌کاری، نخستین بار برای تبیین و توصیف یک نظریه در واکنش به جریان عقل‌گرایی، جنبش روشنگری و نیز انقلاب کبیر فرانسه و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی بود که در پی این انقلاب آغاز شده بود. این نظریه بر قداست گروه‌هایی چون خانواده، کلیسا، جوامع محلی و دیگر نهادهای جاافتاده و قدیمی تأکید می‌کند که در عمل این تأکید در واقع بر نقش‌های اجتماعی است

2 . Ball , Terence and Dagger, Richard , (1999) , Political Ideologies And The Democratic Ideal, Longman , p. 93.

3 . Ibid, p.25.

4 . Nisbet, R. (1986), "Conservatism", Printed by J. W. Arrowsmith Ltd, Bristol, p.1 .

که توسط این گروه‌ها ایفا می‌شود.^۵ از این رو نظریه مزبور با هر گونه طرح و اندیشه خیالی و انقلابی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق در آنها مخالفت می‌ورزد.

گفته می‌شود محافظه‌کاران نسبت به برنامه‌های بلند پروازانه برای بهبود شرایط انسان ظنین‌اند، به جای گمان‌پردازی درباره بهشت زمینی آینده، به منافع حاصل از شیوه مرسوم زندگی رضایت می‌دهند و با رد نقشه‌های من درآوردی کسانی که می‌خواهند طرحی نو دراندازند، اصلاحات گام به گامی را که برای هدایت کشتی مملکت لازم است، ترجیح می‌دهند.^۶

مسئله کلیدی در تعریف محافظه‌کاری به عنوان یکی از نظریات مدافع نابرابری، ارائه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در این نظریات است، یعنی مشخص کردن اینکه چه چیزی محافظه‌کاران را به هم پیوند می‌زند، بدون آنکه تفاوت‌های عمده و مشهودی را که آنها را از هم جدا می‌کند دست کم بگیریم.^۷

به این ترتیب، از تبیین چند خصلت معدود و کلی، اساسی یا مرکزی که منجر به حذف موارد بسیاری می‌شود که محافظه‌کاران در خصوص آنها اختلاف نظر دارند، پرهیز خواهیم کرد. به دلیل اینکه در این صورت زمینه‌های مشترک کمی باقی خواهد ماند، از طرفی از تاریخ‌گرایی یعنی شرح عقاید همه افرادی که در طول قرن‌های متمادی به تبیین این نظریه پرداخته‌اند نیز، اجتناب خواهیم کرد، که با این کار استخراج شباهت‌ها عقیم

5 . Ibid, p.49.

۶. اکلسال، رابرت و همکاران؛ مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م قائد، نشر مرکز، ۱۳۷۵، ص ۸۸.

۷. در حال حاضر هستند محافظه‌کارانی، همچون راست نو (New Right) که از تغییرات اساسی دفاع می‌کنند که این با مفهوم محافظه‌کاری سنتی همخوانی ندارد. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: (Richardson, Mark, (2002), "what is conservatism?" (<http://www.ozconservative.com>))

می‌ماند و فقط با مجموعه‌ای از شخصیت‌ها و نظریه‌ها و به طور کلی با تاریخ سر و کار خواهیم داشت. بنابراین راه میانه را گزینش می‌کنیم و سعی خواهیم نمود که حکمی کلی در نظریه محافظه‌کاری جستجو کنیم.^۸ البته این شیوه بررسی در باب تمامی نظریه‌هایی که بعد از این مطرح می‌شود نیز به کار خواهد رفت.

به نظر می‌رسد، دغدغه اصلی محافظه‌کاران حفظ سنت باشد. البته طبیعتاً محافظه‌کاران در بازخوانی سنت، همه یا هر ایده‌ای را که از گذشته به ارث رسیده باشد تأیید نمی‌کنند، یک سنت مفید و سودمند، علاوه بر اینکه باید از گذشته نشأت گرفته باشد، همچنین باید (از نظر آنها) فی‌نفسه مطلوب و مناسب باشد.^۹ سنت بی‌تردید ریشه درخواست اجتماعی و پابندی عمومی دارد، به همین دلیل ممکن است^{۱۰} سنت‌های اجتماعی، استقلال فردی و اصولاً فردیت انسان را به عنوان یک هسته مجزا در اجتماع مورد تهدید قرار دهند.^{۱۱}

عموماً پایه‌گذار محافظه‌کاری در دوران مدرن را «ادموند برک»^{۱۲} می‌دانند. البته برک هیچ‌گاه خود را محافظه‌کار نخواند اما در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش یک موضع سیاسی «محافظه‌کارانه» را به طور مضیق تعریف و تبیین نموده است.^{۱۳}

۸. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: اکلشال؛ منبع پیشین، صص ۱۳۰-۱۳۲.

9. Nisbet, Ibid, p.26.

۱۰. سنت ضرورتاً به معنای نابرابری نیست، همان‌گونه که سنت فعلی در برخی جوامع سنتی برابری است.
۱۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۲، صص ۱۳۵.

12. Edmund Burke (1729-1797).

13. Ball, Ibid, PP.95-96.

از جمله اولین آثاری که در خصوص محافظه‌کاری می‌توان نام برد، کتاب برک با عنوان «تأملاتی در باب انقلاب فرانسه» است. تأملات - که در اصل به صورت نامه سرگشاده بلندی در پاسخ به یک فرانسوی نوشته شد - به نحو تعجب‌آوری علی‌رغم حمله به سیستم‌های مبتنی بر احکام طبیعی به دست آمده توسط عقل، خود به یک معنا کاری است در گرامیداشت طبیعت، به معنای دیگر گرامیداشت آنچه که در نهادهای تاریخی است، بزرگداشت پیشرفت و تحول آرام و سازمند یک ملت در پاسخ به محیط خود و در شکل‌هایی که نبوغ آنان اقتضا می‌کرده است.^{۱۴}

برک به مباحثات انتزاعی همچون حقوق بشر، توجه چندانی نداشت و به همین دلیل با دگرگونی سیاست فرانسه بر اساس اصول آزادی، برابری و برادری (شعار انقلاب فرانسه) مخالف بود و معتقد بود که خردمندی در سنت، تاریخ و تجربه نهفته است.^{۱۵} از نظر برک خواسته‌های مردم نه بر پایه اصول انتزاعی، مثل حقوق بشر، بلکه بر پایه حق‌هایی که از پدر به پسر به ارث رسیده، بنا شده است.^{۱۶} برک انقلاب فرانسه را شگفت‌انگیزترین چیزی می‌دانست که تاکنون در دنیا اتفاق افتاده است.^{۱۷} و آن را از آغاز تلاشی ابلهانه برای ایجاد یک جامعه جدید از نو می‌دانست.^{۱۸} او انقلاب فرانسه را دقیقاً به این دلیل که خواسته است بر گذشته خط بطلان بکشد و نهادهایی را که کارایی خود را در طول قرن‌ها ثابت کرده‌اند، هیچ انگارد، مورد سرزنش قرار داده است. آنچه از نظر او مهم است، حفظ سنت‌ها است،

۱۴. کلی، جان؛ تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۴۰۷.
 ۱۵. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: جونز، و.ت.؛ خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰، فصل هشتم.

۱۶. مالوری، فیلیپ؛ اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلاتریان، نشر آگه، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲.

17 . Nisbet, Ibid, p.5.

18 . Ball, Ibid. P. 96.

نه نوآوری ناگهانی.^{۱۹} برک تمایل داشت که همه نهادهایی که در پرورش انسان‌های انقلابی دخیل‌اند را از میان بردارد.^{۲۰}

از نظر انقلابیون فرانسه انسان‌ها هم با هم برابرند و هم قابل اصلاح‌اند و این اصلاح را با پرورش عقل انسان و بازسازی نهادهای اجتماعی سیاسی می‌توان تحقق بخشید. برک و محافظه‌کاران دیگر در مقابل این ایده‌های محوری انقلاب فرانسه مقاومت می‌کردند. از نظر محافظه‌کاران، فردگرایی به معنای زوال جامعه، سنت و دین است. در همین راستا برک با حمایت از جامعه مبتنی بر سنت‌های دیر پا، حملات بسیار شدیدی به انقلاب فرانسه و آرمان‌های آن آغاز نمود.^{۲۱}

او تصویر فردگرایی انقلاب فرانسه را کلاً تغییر داد. در کتاب تأملات، برک با تقبیح و انتقاد از انقلابیون و نیز خطوط فکری نظریه‌های حقوق طبیعی که الهام‌بخش این انقلابیون بود، نقش مهمی در تغییر این تصورات در گذر از قرن هجدهم به قرن نوزدهم، در اروپا بازی کرد.^{۲۲}

یک نسل بعد از انتشار کتاب برک موج جدیدی در غرب به راه افتاد که نکته محوری آن چیزی جز مقابله با نهضت روشنگری نبود.^{۲۳}

برک معتقد بود که حقوق و امتیازات موجود، موهبت‌های الهی هستند که به ما ارزانی شده‌اند و ما شیوه حکومت و حقوق و امتیازات خود را براساس یک نظام سیاسی

۱۹. مالوری؛ منبع پیشین، ص ۲۱۱.

20 . Ibid.

۲۱. توماس پین کتاب (حقوق انسان) را در سال ۱۷۹۱ در پاسخ به برک به رشته تحریر درآورد.

22 . Ibid, p.2.

23 . Ibid.

مبتنی بر طبیعت دریافت می‌کنیم، نگاه می‌داریم و انتقال می‌دهیم.^{۲۴} وی حتی قانون اساسی را محصول اندیشه و عمل انسان در طی قرون متمادی و متضمن رسوم و عادات بسیار ریشه‌دار می‌داند و قانون اساسی انگلستان را در واقع ساخته خداوند می‌داند و آن را به عنوان توافقی میان مردگان، زندگان و آیندگان توصیف می‌کرد.^{۲۵}

علاوه بر تمایل به حفظ سنت‌ها - که در اینجا یک سنت نابرابری مدنظر می‌باشد - محافظه‌کاران به عقل‌گرایی نیز بدین‌اند و بر حوزه غیر عقلانی انسان‌ها به عنوان حوزه‌ای غیرقابل تغییر و پایدار تأکید دارند. آنان استعداد و توانایی ذهنی و فکری افراد را محدود و ناتوان از درک کامل پیچیدگی‌های دنیا می‌دانند، حتی می‌توان گفت که شروع محافظه-کاری با رد استدلال‌های عقل‌گرای انقلاب فرانسه همراه بوده است.

محافظه‌کاران می‌گویند که ممکن است بر این باور باشیم که با پرتوی از عقل بر همه اعمال خود حکومت داریم، اما در اشتباهیم. از نظر آنان نور عقل، آن اندازه روشن و درخشان نیست که ما را قادر سازد همه مشکلاتی که گریبان‌گیر افراد و جامعه است را ببینیم و از آن اجتناب کنیم. حتی با هوش‌ترین افراد هم هرگز نمی‌تواند همه نتایج اعمال و سیاست‌های خود را پیش‌بینی کنند. علاوه بر این عقل آدمی در برابر احساسات و تمایلات وی ضعیف و ناتوان است.^{۲۶}

آنان عقل انسان را در برابر عقل کلی‌تر نهفته در سنت یا مذهب، بی‌ارزش می‌شمارند^{۲۷} از نظر محافظه‌کاران عقل خود اسیر و پیرو شهوت آدمی است، انگیزه اصلی کنش‌های آدمی را باید در امیال و ترس و عادات انسان جست، نه در حسابگری عقلانی.^{۲۸}

۲۴. جونز، و.ت؛ منبع پیشین، صص ۴۵۸-۴۵۹.

۲۵. وینست، اندرو؛ نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۸۱، صص ۱۲۷.

26. Ball, Ibid, P. 94.

۲۷. بشیریه، حسین؛ آموزش دانش سیاسی، نگاه معاصر، ۱۳۸۲، صص ۱۲۲.

۲۸. بشیریه، حسین؛ تاریخ اندیشه‌های قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، صص ۱۷۸.

به این ترتیب، محافظه‌کاران بدگمانی زیادی به عقاید انتزاعی و نظام‌های فکری دارند که مدعی درک دنیا هستند و این ادعا را کاملاً مردود می‌دانند. آنان ترجیح می‌دهند که عقاید خویش را بر پایه تجربه و تاریخ استوار سازند... از نظر آنان اصول غلط اندازی نظیر حقوق بشر، برابری و عدالت اجتماعی، زمانی بسیار خطرآفرین می‌شوند که تصور شود آنها قادرند طرحی را برای اصلاح یا از نو شکل دادن دنیا ارائه دهند.^{۲۹} از دید عقل‌گرایان، هر نهاد یا عملکردی که توجیه عقلانی نداشته باشد، باید به کنار رود و از صحنه خارج شود. بر همین مبنا نابرابری‌های موجود در جوامع با انکار اصل برابری انسان‌ها که هیچ توجیه و مبنای عقلانی دربر ندارند نیز محکوم بوده و باید از میان برداشته شوند.

سیاست عقل‌گرایی، سیاست کمال‌خواهی و یک دستی است. عقل‌گرایان هوادار استقلال فکری‌اند و از اندیشه آزاد از هر اقتداری، جز اقتدار خرد حمایت می‌کنند.^{۳۰} اوکشات^{۳۱} فیلسوف سیاسی برجسته انگلیس در قرن بیستم از جمله متفکرانی است که به عقل‌گرایی حمله می‌کند و معتقد است که این امر آثار مخربی در اخلاق و زندگی اجتماعی و سیاسی باقی می‌گذارد.

وی با نگارش کتاب «عقل‌گرایی در سیاست» به عنوان شاخص‌ترین سخن‌گوی محافظه‌کاری و منتقد بی‌رحم «عقل‌گرایی» زبانزد خاص و عام شد. واژه کلیدی در کتاب وی سنت است.^{۳۲} از نظر اوکشات عقل‌گرا کسی است که طرفدار اندیشیدن فارغ از

۲۹. هی وود، اندرو؛ درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۹، ص ۱۴۰.

۳۰. بشیریه؛ منبع پیشین، صص ۲۷۴-۲۷۳.

31. Michael Oakeshot(1901-1990).

۳۲. لسناف؛ مایکل اچ؛ فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر کوچک، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰.

هرگونه الزام نسبت به هر مرجع و اقتداری سوای موقعیت و اقتدار «خرد» است ... او دشمن اقتدار و مرجعیت، تعصب و امور صرفاً سنتی و مرسوم است.^{۳۳}

از نظر او در زندگی سیاسی عقل‌گرایی بر ضرورت ایجاد نظم کاملاً نو و آرمانی تأکید می‌کند و به درستی و یکپارچگی و اقتدار سنت و اصلاحات تدریجی در سنت‌ها و میراث گذشته به دیده تحقیر می‌نگرد.^{۳۴}

برای اثبات رویکرد محافظه‌کارانه او کلمات و تصریح وی بر حفظ سنت‌ها، به نقل قطعه‌ای از وی کفایت می‌کنیم که می‌نویسد: «زندگی سیاسی انسان‌ها بر دریایی بیکران و بسیار ژرف ره می‌پیماید، نه ساحل و نه پناهگاه و تکیه‌گاهی برای لنگراندازی در کار است و نه مبدایی و مقصدی. وظیفه ما شناور ماندن و حفظ تعادل است. دریا هم دوست است و هم دشمن و دریانوردی یعنی استفاده از همه امکانات و روش‌های سنتی رفتار برای تبدیل هر موقعیت خطرناک به موقعیت مساعد.^{۳۵}

بنابراین تلاش او کلمات برای شناخت واقعیت از طریق تجربه، با رد عقلانیت موجود در هر ایدئولوژی دیگر همراه است.

ادموند برک نیز در رد و نفی عقل‌گرایی معتقد است که تعصبات و سنت‌های قرون و اعصار متمدنی، ده هزار بار بهتر از انتخاب عقلانی است. او با گرایش عقل‌گرایانه‌ای عصر روشنگری به هیچ روی همدلی نداشت.^{۳۶}

۳۳. همان، ص ۱۹۵، به نقل از:

(Oakeshott, M. (1962), "Rationalism in Politics and Other Essays", London, p.1.)

34 . Ibid.

۳۵. لیساف؛ منبع پیشین، ص ۲۰۶ به نقل از: (Oakeshott, Ibid, p.127).

36 . Freedon, M. (1996), "Ideologies and Political Theory", Clarendon Press, Oxford, p. 321.

در ادامه قبل از پرداختن به دیدگاه‌های کسانی که از منظر دیانت، نظریه حق‌ها را بر نمی‌تابند، ذکر این مطلب ضروری است که بیشتر محافظه‌کاران بر این باورند که در برخی جهات - هم از لحاظ دینی و هم از حیث روان‌شناختی - موجود انسانی آلوده به گناه نخستین است. به این معنا که آنان معتقدند که داستان نافرمانی آدم و حوا نسبت به خداوند، مطرح شده در سفر پیدایش در عهد عتیق، حقیقتی است اساسی و نمادین درباره طبیعت آدمی. همان‌طور که آدم و حوا در باغ عدن نتوانستند در برابر وسوسه رسیدن به چیز بیشتر - چیزی که آنها می‌دانستند نباید داشته باشند - مقاومت کنند، انسان‌ها نیز در راستای خودخواهی و طمع خود، هر آنچه را که دارند برای داشتن چیزی بیشتر به خطر تباهی می‌اندازند.^{۳۷} برک نیز با اندیشه سرشت پاک انسانی مخالف است و به نظریه مسیحی گناه نخستین وفادار است.^{۳۸}

۲. محافظه‌کاری دینی

برخی محافظه‌کاران سنت‌گرا از منظر دیانت نیز به نظریه حق و حقوق بشر معاصر معترض‌اند. از نظر آنان حقوق بشر می‌تواند برای سنت‌های مذهبی و فرهنگ دینی مخاطره‌آمیز باشد.^{۳۹} به این معنا که به باور ایشان، خداوند خالق این دنیا است و عادات و رسوم در جامعه نیز خدادادی محسوب می‌شود. بنابراین دستکاری در این عادات و رسوم و سنت‌های موجود در واقع مخالفت و ستیزه‌جویی با اراده خداوند است.^{۴۰} از همین روی محافظه‌کاران دینی نیز با انجام تغییر در سنت‌ها مخالف‌اند.

37. Ball, Ibid, P. 95.

۳۸. مالوری؛ منبع پیشین، ص ۲۱۰.

۳۹. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ منبع پیشین، ص ۱۳۵.

۴۰. این موضوع در قالب نظریه امرالهی به طور مفصل در مباحث بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از میان متدینان معتقد به سنت، می‌توان از ابوالحسن اشعری، نخستین و مهم‌ترین متکلم سنی نام برد. از نظر او روش دینی و ایمانی ما (مسلمانان) پیروی از کتاب خدا و سنت پیامبر و روایات اصحاب پیامبر و تابعان آنها و پیشوایان حدیث است.^{۴۱} از این رو اشعری برای اثبات و گواهی صحت «سیاست گذشته» و اصالت و مشروعیت آن، نه تنها کتاب و سنت بلکه همه اصول اربعه (کتاب، سنت، اجماع، قیاس) را بسیج می‌کند.^{۴۲} البته با این منطق، کل مسلمانان اعم از شیعه و سنی، محافظه‌کار می‌شوند، اما مسئله اجتهاد باب دیگری را باز می‌کند و فقط بخشی از متدینان را در رده کسانی قرار می‌دهد که تفسیری محافظه‌کارانه از دین دارند. چنان‌که «مطابق باور معتزلیان اعمال انسان یا خوب‌اند یا بد و عقل انسان مستقل از وحی توانایی تعیین اعمال خوب و بد را دارا است.»^{۴۳} یکی از مفروضات بنیادین مکتب معتزله این است که انسان پیش از انجام یک عمل، قدرت انتخاب انجام یا عدم انجام آن عمل را دارا است.^{۴۴}

بر این اساس، بیشتر در میان اهل سنت، اندیشه سیاسی، بر اساس توجه و پای‌بندی به سنت و گذشته و حفظ آن پایه‌گذاری می‌شود. آنان تشریح بر مبنای آموزه‌های گذشته و قانونمندی‌سازی بر این اساس را مبنای عمل خود می‌دانند.

در ادامه، از منظر دینی نیز به ضدیت با عقل‌گرایی و بدبینی به عقل انسان به عنوان یکی از اصول رویکرد محافظه‌کاری - که در این جا محافظه‌کاری دینی مدنظر می‌باشد - اشاره می‌شود. در میان مسلمانان اشاعره^{۴۵} معتقد به حسن و قبح شرعی بوده و به وضوح از

۴۱. مجتهد شبستری، محمد؛ هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹.

۴۲. فیرحی، داود؛ قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۵.

۴۳. حلاق، وائل؛ تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳.

۴۴. همان، ص ۲۰۴.

۴۵. به بحث اشاعره در مباحث آتی (نظریات اراده‌انگار) به طور مفصل پرداخته خواهد شد.

تقدم نقل بر عقل سخن می‌گویند. آنان با این طرز تفکر، آزادی اراده و مسئولیت افراد را نیز زایل ساخته و برای عقل هیچ‌گونه نقشی در حیات قائل نیستند.

فضای فهم اهل حدیث و اشاعره، فضای استماع و تسلیم است.^{۴۶} آنان بدون تعمق عقلی (یعنی تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌ها و استدلال آنها) آنچه را که می‌شنیدند، می‌پذیرفتند.^{۴۷}

ابوالحسن اشعری از جمله متفکرانی است که در چنین فضایی به تفسیر دین می‌پردازد. او استدلال عقل را کلاً به کنار می‌نهد و «دانش سیاسی را بر مبنای تبعیت صرف از نصوص دینی استوار می‌سازد که از مواجهه مستقیم و به دور از هرگونه پیش‌زمینه فکری نسبت به آن نصوص به دست می‌آید».^{۴۸}

در واقع بر اساس مفروضات کلامی بسیاری از نظریه‌های اصولی اشعری، توان فکری انسان در حدی نیست که بتواند به حکمت امور دست یابد.^{۴۹}

ابن تیمیّه، فقیه و متکلم بزرگ حنبلی نیز مخالف نفوذ عقل در زندگی متدینان مؤمن است. او عقل معارض را اصلاً عقل نمی‌داند و معتقد است که نصوص ثابت از کتاب و سنت، هرگز معارض معقول بین و آشکار نیست و هیچ چیز نمی‌تواند معارض آنها باشد، مگر اینکه در آن اشتباه و اضطراب وجود داشته باشد. آنچه حق بودنش معلوم است،

۴۶. تفاوت اساسی اشاعره با اهل حدیث تنها در این مطلب است که اشاعره بعداً سعی کردند معتقدات خود را توجیه عقلی کنند. در پیروی از اصل استماع و تسلیم و تنفس در این فضای بی قیل و قال میان اشاعره و اهل حدیث تفاوتی نیست. (مجتهد شبستری؛ منبع پیشین، ص ۱۰۷).

۴۷. همان، ص ۱۰۴.

۴۸. فیرحی؛ منبع پیشین، ص ۲۰، به نقل از اشعری، ابوالحسن؛ الابانه عن اصول الدبانه، چاپ مدینه، ۱۹۷۵.

۴۹. حلاق؛ منبع پیشین، ص ۲۹۵.

نمی‌تواند مورد تعرض چیزی از معقول واقع شود که در آن تردید و اضطراب بوده و شبهه‌ای در حقانیت آن وجود دارد.^{۵۰}

بنیادگرایان^{۵۱} را نیز می‌توان در طیف محافظه‌کاران دینی قرار داد. این گروه از دیدگاه دینی مخالف با انجام تغییرات در سنت‌ها می‌باشند و بر بقا و تجدید حیات آن پا فشاری می‌کنند. از نظر آنان افراد بشر، از طریق فهم الفاظ متون دینی، توانایی درک نیات الهی را دارند.

«از نظر بنیادگرایان تجدید حیات فقط می‌تواند از طریق رجعت به روح سنت‌های یک «عصر طلایی» دیرین صورت گیرد.»^{۵۲}

چالش‌های جدی بنیادگرایان با نوگرایی و گرایش و اصرار آنان بر حفظ سنت‌ها و ارزش‌های آن به دیدگاهی ختم می‌شود که با ایده فردمدار حقوق بشری که افراد را تشویق به گزینش انتخاب‌های اخلاقی خود می‌کند، مخالف است و در عوض از نظام اخلاقی تجویزی از سوی خداوند، دفاع می‌کند. توسل آنان به سنت کوششی آمرانه است برای بازتولید و راه اندازی سنت و اهمیت بخشیدن به ارزش‌های سنت در جامعه.^{۵۳} از نظر آنان، «انسان بریده از تعالیم دینی و انسان بی‌اعتنای به سنت، انسانی است که صرفاً به حق خود به عنوان چارچوبی اخلاقی ایمان دارد.»^{۵۴}

۵۰. فیرحی؛ منبع پیشین، ص ۲۴۷، به نقل از ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد ابن عبدالعظیم، «درء تعارض العقل و النقل»، تحقیق محمد رشاد سالم، ۱۹۷۱، صص ۱۵۶-۱۵۵.

51. Fundamentalism.

۵۲. هی وود؛ منبع پیشین، ص ۵۱۱.

۵۳. جهان‌بخش، فروغ؛ ۱۰ اصل بنیادگری، روزنامه هم‌میهن، ۱۳۸۶/۴/۴، ص ۱۰.

۵۴. قاری سید فاطمی؛ منبع پیشین، ص ۱۳۵.

البته لازم به ذکر است که واژه بنیادگرایی در خصوص تمامی ادیان بزرگ جهان یعنی اسلام، مسیحیت، یهود، هندوئیسم، آیین سیک و آیین بودا نیز ارتباط پیدا می‌کند. در کنار بنیاد گرایان اسلامی که خواستار اجرای مجدد شریعت اسلام‌اند، بنیادگرایان مسیحی^{۵۵} قرار می‌گیرند که به منظور مبارزه با بی‌بندوباری و مادی‌گری، خواستار بازگشت به عصر اهمیت خانواده یا ارزش‌های دینی شده‌اند.^{۵۶}

در میان متفکران شیعی نیز می‌توان به اخباریون اشاره داشت که این گروه بر حفظ و قداست کتاب و سنت اصرار داشته و مانند اشاعره و اهل حدیث قائل به اولویت و ترجیح ادله نقلی بر ادله عقلی بوده و تسلیم محض و پایبندی به اخبار و احادیث برجا مانده از اولیای دینی را مطمح نظر خود قرار داده‌اند. اخباریون جایگاهی برای عقل قائل نیستند.^{۵۷}

۵۵. از جمله می‌توان به کالون و آگوستین قدیس اشاره داشت که با ارائه اصولی بنیادی برای دیدگاه خود نماینده سرسخت خشک‌اندیشی و بنیادگرایی محسوب می‌شوند. (برای مطالعه نگاه کنید به: شلایشرت، هوپرت، «شگردها و امکان‌ها و محدودیت‌های بحث با بنیادگرایان»، ترجمه محمدرضا نیکفر، طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۱۰۲-۸۲).

۵۶. هی وود؛ منبع پیشین، ص ۵۱۱.

۵۷. در مقابل این رویکرد، تفکر اصولیین قرار می‌گیرد که اینان برعکس، قائل به ترجیح ادله عقلی بر ادله نقلی می‌باشند و هنگام تعارض عقل و نقل، با تکیه و تأکید بر عقل، دلایل نقلی را جهت سازگاری با عقل تأویل و تفسیر نموده و یا در مواردی حتی آن را رد می‌کنند. (فیرحی؛ منبع پیشین، ص ۲۷۳، به نقل از بحرانی، «الدررالتجفیه»، صص ۲۵۶-۲۵۳).

نتیجه‌گیری

نظریه محافظه‌کاری به عنوان یک نظریه سنت‌گرا، نمی‌تواند با حقوق بشر، سرسازگاری داشته باشد. نداشتن قدرت اراده و انتخاب، به عنوان یک رکن نظریه حق و سرسپردگی بی‌چون و چرا و محض در برابر سنت‌های از پیش موجود، ممکن است به نابرابری میان انسان‌ها بیانجامد. البته سنت موجود ممکن است یک سنت حسنه و برابری‌گرا باشد و حتی برخی اصول جهان‌شمول را محور قرار دهد، اما در نهایت بازهم مبتنی بر دلایل نادرست است. این نظریه با کشتن دختران مخالف است، چون بر اساس سنت موجود، چنین چیزی پسندیده است، اما اگر سنت جامعه، سنت زنده به گور کردن دختران باشد، این عمل جایز و موجه است. از این رو، این نظریه حتی اگر مبتنی بر یک سنت برابری‌گرا باشد، بازهم به هیچ‌وجه نمی‌تواند با نظریه‌های غایت‌نگری مثل نظریه‌های کانتی قابل قیاس باشد.

محافظه‌کاران با رد عقل‌گرایی انسان‌ها، بر وجود و حفظ حوزه‌های غیرقابل تغییر و پایداری که از گذشتگان به یادگار مانده است، اصرار می‌ورزند، حتی اگر کارکردهای آن به انکار اصل کرامت ذاتی انسان‌ها و نابرابری آنها بیانجامد. نفی برابری انسان‌ها، نیازمند دلایل موجهه است و هرگونه عملکردی که توجیه عقلانی نداشته باشد باید متوقف گردد. محافظه‌کاران حتی در مواردی که بر وجود برخی حق‌ها صحه می‌گذارند، وجود آن را مشروط به شروطی می‌دانند. «برک به آزادی معتقد است، اما آزادی که به نظم مرتبط باشد. از نظر او آزادی با نظم و فضیلت استقرار می‌یابد و بدون آن نمی‌تواند وجود داشته باشد.»^{۵۸}

58 . Nisbet, Ibid, p.35.

همچنین محافظه‌کاران هیچ اصلی را اساسی‌تر از ناسازگاری بین آزادی و برابری نمی‌دانند. این ناسازگاری از نظر آنها، از اهداف مختلف این دو ارزش برمی‌خیزد. هدف آزادی حمایت از فرد و مالکیت است، اما هدف ذاتی برابری، باز توزیع نابرابری‌ها است. بر این اساس هرگونه تلاش برای جبران این نابرابری‌ها، از طریق قانون و حکومت، چه بسا منجر به امحای مهم‌ترین آزادی‌های افراد گردد.^{۵۹} بر همین اساس، محافظه‌کاران خواستار حفظ وضع موجود و تداوم نابرابری‌ها هستند.

59 . Ibid, p.47.

منابع

الف) فارسی

۱. اکلشال، رابرت و همکاران؛ مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه م قائد، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۲. بشیریه، حسین؛ آموزش دانش سیاسی، نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
۳. بشیریه، حسین؛ تاریخ اندیشه‌های قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۴. جونز، و.ت.؛ خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۵. حلاق، وائل؛ تاریخ تئوری‌های حقوقی اسلامی، ترجمه محمد راسخ، نشر نی، ۱۳۸۶.
۶. راسخ، محمد؛ تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.
۷. فیرحی، داود؛ قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نشر نی، ۱۳۸۵.
۸. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۹. کلی، جان؛ تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، طرح نو، ۱۳۸۲.
۱۰. لسناف، مایکل اچ؛ فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر کوچک، ۱۳۷۸.
۱۱. مالوری، فیلیپ؛ اندیشه‌های حقوقی، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، ۱۳۸۳.

۱۲. مجتهد شبستری، محمد؛ نقدی بر قرائت رسمی از دین، بحران‌ها، چالش‌ها، راه‌حل‌ها، طرح نو، ۱۳۸۱.
۱۳. مجتهد شبستری، محمد؛ هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو، ۱۳۷۹.
۱۴. وینست، اندرو؛ نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۵. هی‌وود، اندرو؛ درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.

(ب) لاتین

16. Ball, Terence, & Dagger, Richard, (1999), Political Ideologies and the Democratic Ideal , Longman
17. Freedon, M. (1996), Ideologies and Political Theory , Clarendon Press, Oxford
18. Nisbet, R. (1986), Conservatism , Printed by J.W. Arrowsmith Ltd, Bristol
- Oakeshott, M. (1962), Rationalism in Politics and Other Essays, London
19. Richardson, Mark, (2002), "What is Conservatism?" (<http://www.ozconservative.com>)